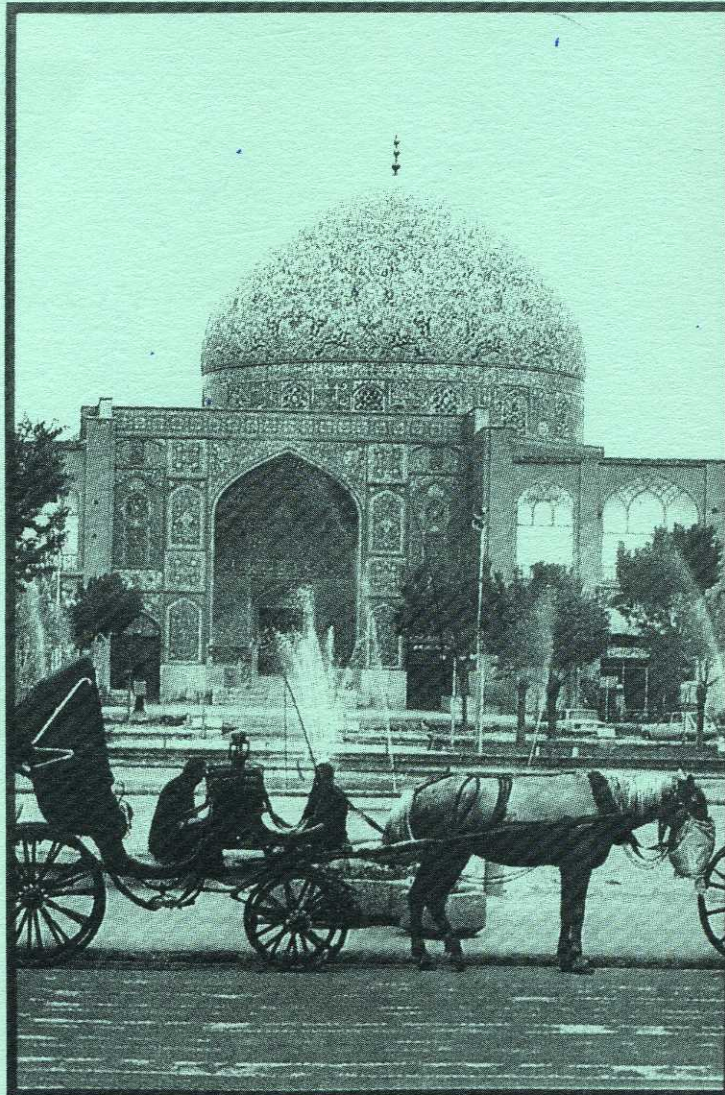


زنان ایران

لندون، ژانویه ۱۹۹۴
در صفحه ۱۴

۵۱

منتخب فهرست مطالب این شماره :
زن و ادبیات ، بازتاب چهره انسان در نوشته ها و
سروده های زنان ایرانی / سال های سرنوشت ساز در
زندگی کودکان / چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن



سال نهم ، شماره دوم ، تابستان ۱۳۷۳
Volume IX, Number 2, Summer 1994
P.O. Box 964, Station F. Toronto, Ont. M4Y 2N9

به خاطر آب



ده ساله بودم

آنروز که گرفتار صاعقه شدم

- هیولایی توپ و عروسک را از من ستاند

و من برهنه و گریان

یکباره بزرگ شدم

و تشویق هایی عظیم

شیطنت های بچگی ام را خاکستر کرد

- جادوگری سیاه پوش خنده را بر لبهایم جادو کرد.

دیگر هرگز از تاریکی نترسیدم

چراغ اشرف دشمنان شد

روشنایی بود که راه بر اژدها می نمایاند

تاریکی مادر من بود

و پدر ...

هیچ نبود.

- دیوی يك شاخ

با کمربندی از آتش

کودکی ام را از من ربود.

من آنروز ده ساله بودم .

رویا حکاکیان

گذار از رود

به سرنوشت شکفت کسی می اندیشم

که راه پشت سرش نیست .

و چاره دگرش نیست

جز اینکه در شب سیلاب

بگذرد از رود.

امان ز وسوسه تلخ لحظه تصمیم .

که می رهی ز بلا.

یا که می شوی نابود.

خروش شب زده سیل و رود خشم آلود

و هیچ راه دگر نیست .

جز گذار از رود .

جز گذار از رود . . .

کل سپید سحرگاه آن سواحل سبز.

کنار بستر آبی آب های کبود.

از که خواهد بود

از که خواهد بود ؟

ژاله اصفهانی

